



فصل میوه‌ها

همراه بابارحمان به میوه‌فروشی رفته بودیم. بابارحمان انار خرید، انارهای بزرگ و سرخ. امید به بابارحمان گفت: «می‌شود مقداری هم توت‌فرنگی بخریم؟» بابارحمان لبخندی زد و گفت: «پسرم، توت‌فرنگی میوه‌ی فصل تابستان است. میوه‌ها را باید در همان فصل خودشان بخوریم.»

هر سال شب یلدا، ما به خانه‌ی بی‌بی طاهره و بابارحمان می‌رویم. بی‌بی طاهره برای ما کلی میوه، آجیل و خوراکی‌های دیگر می‌آورد. بابارحمان هم قصه‌های قشنگ تعریف می‌کند و فال حافظ می‌گیرد. امشب، شب یلدا است. شب یلدا بلندترین شب سال و آخرین شب فصل پاییز است. بعد از ظهر، من و امید،





من با تعجب پرسیدم: «پس این توت‌فرنگی‌های درشت و آبدار، چه‌طوری تا پاییز این قدر تر و تازه مانده‌اند؟»

بابا رحمان گفت: «این میوه‌ها را در گلخانه پرورش می‌دهند. توت‌فرنگی باید در تابستان، نور مستقیم خورشید را دریافت کند تا همه‌ی خاصیت‌هایش را به دست بیاورد و خوش‌مزه‌تر بشود. بدن ما در هر فصل، نیازهایی دارد. خداوند چیزهایی را که بدن ما در هر فصل نیاز دارد، در میوه‌های همان فصل قرار داده است.»

با خوش حالی گفتم: «یعنی می‌توانیم این دانه‌ها را بکاریم؟ بابا رحمان، کاشتن آن‌ها را به ما یاد می‌دهی؟» بابا رحمان گفت: «بله دخترم. حتماً یادتان می‌دهم.»

مثلاً در تابستان که هوا خیلی گرم است، میوه‌ها خیلی آبدار هستند. میوه‌های پاییزی هم سرشار از ویتامین هستند تا بدن ما را در برابر بیماری‌ها قوی کنند.»



● مراحل کاشتن دانه‌ی انار

همه‌ی ما دور کرسی نشسته بودیم و انار می‌خوردیم. امید گفتم: «کاشکی این چیزهای سفید توی انار نبود. آن وقت خوش‌مزه‌تر می‌شد.»

بابا رحمان لبخندی زد و گفت: «اگر این دانه‌های سفید نبودند، دیگر هیچ اناری نداشتیم. از همین دانه‌های سفت و کوچک، درخت‌های بزرگ انار می‌روید و میوه می‌دهد.»